

اداره خانه

( ده افغانستان کابل )

سردیر

سید محمد قاسم

همه امور تحریریه بنام

اداره فرستاده شود

داره در انتشار و اصلاح مقالات

وارده اختارت است

هر هفته یکبار نشر میشود

او را فیکه درج نشود اعاده نمایشود

# امان و معاف

۱۳۷۳

برای تبدیل عنوان نیم افغانی فرستاده شود

قیمت یک شماره (۲۰) پول

تاریخ شمسی ۱۵ جوزا ۱۳۰۵ هجری

( شنبه )

تاریخ قمری (۲۳) ذی قعده (۱۴۴) هجری

## قبائل مستقله سرحد

مطبوعات بوطانیه و پالیسی تجاوز

جريدة تیس لندن بر مندرجات مقالات مطبوعات افغانیه  
در باب مسئله سرحد بعض چیزها مینویسد که نقد و تبصره آن  
در ایضاح مسئله کم خواهد کرد .

پیش از همه باید فقره آخرین تیس را جواب بدھیم که  
مفهوم آن اینست : - معلوم نیست مطبوعات افغانیه تاجه درجه  
آزاد و تاجه درجه تایندگی نظریات رسیه را میگایند ؟  
حقیقت این است که معلومات ما در باب تیس نیز از همین قبیل  
است ورنه جوابی باین مسئله می نگاشتیم .

تیس پکی از مشکلات اداری قبایل مستقله سرحد را همین  
میداند که دروازه قبایل مذکوره برای افغانستان دایماباز است .  
اگر معنی دروازه باز بودن هم دردی افغانستان بوده با آنها ،  
و خواهش آزادی مکمل آنها است ، بادلایلی که بارها مکرر شده  
است محقق است که از ضروریات حیاتی ماست . مداخله در امور سرحد  
را مأگاهی برداشت کرده نمیتوانیم و نتوانسته ایم . برای اینطور  
ضروریات حیاتی اگر سابقه موجود نباشد محض باین سبب که  
سابقه ندارد باید مطالبه نشود گفتن ، اهمیت مسئله و نتیجه آن  
را نظر انداز کردن است ، ولی این خواهش ما بر استقلال و  
آزاد بودن قبایل از مداخله خارجیان نه از حال بلکه از  
وقتیکه متر آر . اندی کشندر پشاور تاریخ (۷) ذی الحجه  
۱۳۱۱ هجری قمری بعد از فیصله معاهده حدودیه (دیوریند )  
اعلانی در اهمی مناطق مذکوره بزبان فارسی نشر کرد باین

- قیمت سالانه
- در داخل (۱۲) افغانی
- در خارج (۱۰) شانگ
- قیمت شماهه
- در داخل (۶) افغانی
- در خارج (۸) شانگ
- نصف قیمت
- از طبل و مصلین مکاتب
- رانگان

برای مکاتب مل و کتاب خانهای مل  
ومعاوین و قایع نکاران (فخری )

ضمون که اداره این حدود تعلق بدولت برطانیه دارد ، هالوقت  
به سالار مرحوم (غلام حیدر خان) از تمام منطقه اعلانها  
را جمع و احراق نموده و این خبر را که مختلف معاہده بود  
تردید کرد و اظهار تعجب نمود بینک دولت برطانیه که هنوز نو  
از میز تصفیه یک معاہده دوستانه با افغانستان برخاسته است  
استقلال قبایل را که بین افغانستان و آنها حکم پفریستی دارند  
محو شده نشان میدهد حالانکه در باب اداره آن مناطق در  
معاهده هیچ تصدیق از طرف افغانستان نبود .

هیچین تا حال - متأسفانه باید گفت که برخلاف اطلاعات  
تایز - هیچ موافقی در باب سرحد چنان نشده است که محو  
آزادی و مداخله در امور آنها را تصدیق نموده بتواند .  
یا حرکاتی که امروز دران سرزین موجود است بان رضا  
داده شده باشد بلکه بالعکس در موقعهای متعدد غصراً وقت  
عباردمان مدھن وزیرستان و تعمیر بی موجب راه ریل خبر  
از طرف افغانستان اعتراض شده است :

در آینده نیز ملت ازین مسئله تماماً رنجیده و متأحل  
گوارای این غایله پریشان خواهد بود وقتیکه کوه های خشک  
کم انسان کم علف نیز از نظر استعمار واستفاده برطانویها دور  
نماینده تصرف آن اینقدر ضروری باشد ، پس سهول منزرونه  
مکونه اینطرف خیر چطور پالیسی « پرخ زاو » را منع نموده  
یا بنتظیر اطمینان دیده خواهد توانست ؟

خوشبنا اینست که میگویند پالیسی فارورد « پرخ زاو »  
جاری نیست ، این هم پرده است که بر حقایق احوال و باز پرچم  
های نظار انداحت میشود ، اینک چندمثال تو و کنه از کارستان

خودها را بصورت مطیعه نمایند. دارازوی قدیمی‌ترین شاهانه را بایمید اینکار از جرمه تعلق آنها صرف نظر کنند و خودندیش از وصوا لین مرخص می‌شوند و کیرنگی مذکور محضور خواسته شده است، و پروز دوم جو را بسلامخانه سراج العماریت توسعه (ع. ۲) داد محمد خان حاکم کامه شریفیان بادشاهی را مائیل گشته از نصائح پدرانه و بهداشت مریانه بادشاه کارانه اهلیحضرت غازی رام را از جاه و خوب را از بد فرق و تغییر کرده تمام ملامق این امر را برخان سه چهار تقریباً غرض خیات بسته خود که اسباب سرگردانی و خانه ویرانی اینها را روی کار آورده اند. حواله واستفاده دادند.

ذات شاهانه از فرط شفقت و پرجوشی که بر حال رعیت خود دارند، و از خطأ و جرائم ملت خود حق الامکان صرف نظر داشته همواره آسایش و مرغه الطالی عموی را نقطه نظر خود قرار داده اند چون مشاهده فرمودند که واقعاً این انسانهای ساده لوح درین مسئله جندان ملامت نیستند. و ازین حرکت خود سخت سراسیمه و خجالت زده میباشد و این اظهارات و کوافر را که از دروغ مذکور و اثبات بحضور اهلیحضرت عرض میکنند تساناً قرین بصداقت و حقیقت است، بر این شان حالی مردان و بخانمان زنان و اطفال معموم ووضیعت ویسی این مضمون آنها که از دست جهالت یوست خود شان بر آنها مائد شده؛ رسم فرموده یکلم، قلم عفو را بر لوجه جرم آنها کشیدند. چون اراضی و مساکن این جهال بعد ازینکه بوقت مقرره ب محلات مسکونه خود رجعت نه نمودند، و در اولین مرحله بیان حکومت اعلای سنت مشرقی که نسبت بعودت شان ترسیل شده بود، بر دل آنها اثری نیافرند، برای عبدالودود نام خوگانی داده شده بود که اقوام خود را در انجانقل و زمینهای مزبوره را اداره کند، و علاوه‌تاً بودن و اقامت سرازنو اختیار نمودن این نظری در مقامات سابقه اینها نیز قرین مصالحت نبود، برای این افراد ندامت کشیده و با جایت بادشاهی بیوسته از بحضور قلمه سرکاری وزمین های منروعی دولتی ماما خیل خوگانی بعزم اراضی مامتحن کامله عطا و کرامت گردید که از زرعی قیمت و تفاوت در جرات و مصالحت تهدیل و تسویه شده بهمان اندازه زمین هر کدام این افراد که در هم داشتند در خسروگانی داده شود کسانی که در انجا زمین نداشتند مرتباً برایشان بیچ بیچ بجزیب زمین در ماما خیل خوگانی نیز موهبت نداشتند، و تا رسیدن نصل برای صغير و كبر شان هر روزه جیه سرکاری امر شده است که منتظم با لذانه حسب مراتب داده مدد. و امن رفته است

نمیخواهم که در سلک رعیت من حاجز شمرده و بیان یادشان آنها باشند. دوست و محظوظ من کسانی است که بملت علیزم خدمت و با آنها معاونت و درفع تکلیف و اذیت از آنها صرف هست. و در آبادی و یکنایی مملکت خود بدل مقدرات ورزند، (در همین موضع خوبت اسلام شاهانه خود را شرح و بسط داد، باز فرمودند) :

« مقصدازین رفق شما مجاهنه های تان و بازآمدن مکرر شما به زدم این بود که شما بعد از ملاقات های خصوصی و عمومی (نخست ورخاست و گفت و شنید) جند روزه که تنهایها و جمعیت جمعیت و قوم قوم با من نموده اید، ازان خیالات و افکار من که در راه ترق و آسوده حالی ملت خود دارم به جشم سر پوره کسب اطلاعات کرده اید و تمام نصائح ویسات مرا بکوش دل شنیده اید، یک مرابطه به عین همین توقف من در مشرق به تزد عامة ملت، واقوام واجه و سکنه قریه جات خویش؛ و آن افزاییکه شما را و کیل خود مقرر داشته اند، رفته، این نظریات و مشاهدات و مجموعات و خیالات مرا بیکم و کاست بدانها ابلاغ و درد دل و شکایت و احساسات هامة اهالی را به عن اسامی که من خواستارم مجددآ بنم تقدیم کنید» (در اطراف همین مطلب دیگر بیاناتی را ایراد کنن در خاتمه آن فرمودند) :

« من آن اوراق و افکار شما را که قبله بین داده اید تا جاییکه گرفتاری بعن اجازه داده است، خوانده ام و باق اینرا بین ملاحظه میکنم ولی اگر حالاً ملت من بشما دیگر که میکم مسئله را گفته باشد که بعن بگویند، و با بعد ازین رفت و آمد و فکر جند روزه، دیگر یک فکری را نسبت بخیر و بسود خود سعیده باشید تا بر شما اجازه میدهم که آن را تحریر آن را بعن بینند که جواب آنها، بامانعی که در بعضی مواد آن لازم گردد یکجا برایشان گفته سود »

### صرایح اینها در حق مردم ما مآخذی کامد

ذکر حرکت پیجای اهالی قلمه ما مآخذی کامد، واپس از شرکه ریزی که در این رفت و میتواند اینها را از خواسته بودیم که قدری مزبور کور کورانه در اثر مغایره فراز نموده اند، همان بود که در اثر آن پیام شفقت النیام حکومتی اعلای مشرف که مطابق افکار شهریاری (که در استراحت و آسوده گی رعایت خود دارند) برای شان فرستاده شد، اگرچه در این دست از آزارها که خسون ملت را جوشنید آرزو داشته باشدند، و با موجبات سراسیمگی و برایشان آنها را به می‌ناید، هچ

خواهیم گفت؟ مایه از قبایل مذکوره گرفت، و خلع اسلحه نمودن آنها! چیز های نیست که فوری حکومت بر طایه اجرا کرده باشند. لهذا اول باهیهن طور تدبیر که پالیسی تجاوز شامل دارد. (از اختلاف قبایل مذکوره استفاده کرده) آنها را مخصوص نمودن بعد از آن طبی مایه و محصولات وغیره نیز اجرا خواهند شد.

این است خطری که مازا نه در یک استقبال دور بلکه در از دیگر تمدید میگیرد، پیشک مایل ملت مجاهد هستیم که اهمیت عسکری مارا نیز کسی صرف نظر کرده نمیتواند ولهمان ما از جنک حقیقی انقدرها خوف هم نداریم، ولی این جنک متعدد وغیره مستقیم «پالیسی تجاوز» مثل میکروب سلمارا ضعیف و خفه کرده میگرد، و مارا از مقابله می‌اندازد.

### اخبار کارهای مشعشع اعلیحضرت

در سمت مشرق

احوال پری اعلیحضرت از مردم سمت مشرق

قالاً نگاشته شده که اعلیحضرت غازی از فرط شفقت و رافتیکه نسبت به افراد ملت خویش دارند، و کلای سمت مشرق را بس از چند روز توقد در جلال آباد اجازه دادند که اگر میل دارند بخانه های خود برای یک هفته می‌توانند بروند بلکه حکومت بعض تسهیلات سفریه شان را بهم مهیا می‌نماید، همان بود که عده بخانه های خود رفتند. هنگام معاودت اعلیحضرت غازی اوشان را بحضور خوبش خواست و بس از احوال پری خصوصی از وکلا و عمومی از مردم سمت مشرق و استعلام از ائمہ گرفتاری اشراط و اشخاص مظلون و اظهار شادمانی و دعا گوئی عموم از صراحی ذات شاهانه و زحمات شباروزی شان در خصوص آسایش و راحت ملد و آبادی ملکت، حضور شاهانه بجواب اظهارات و کلام مطالب ذیل را افاده نمودند.

« من از شنیدن آسایش رعایتی محظوظ و عنیز خود می‌ترم، و بر رکاه رب الغزت برین نعمت اظهار شکران دارم! و به شما میدانم که من عامة ملت و افراد غریب و بینوای رعیتم را از حد زیاده دوست دارم، و پس از کوشانم تا بهر ذریعه ممکن که باشد اسباب استراحت و مسرت آنها را تهیه کنم، اشخاصی را که آزار رعیت، و تکلیف رسانی عامة ملت را اختیار می‌کند (هر کس و از هر طبقه که باشد) شخت به انظر نفرت می‌بنم و این طور مظلوم آزارها که خسون ملت را جوشنید آرزو داشته باشدند، و با موجبات سراسیمگی و برایشان آنها را به می‌ناید، هچ

این پالیسی تقدیم میشود تادانسته شود که بین خرب و این پالیسی هیچ قدر فرق است که این از حرب کرده اغفال کنند ترو خاموش بر پا قتل علم است ویس! تادانسته شود که این ماجی استقلال و آزادی اینهاست یا نی؟ ۲ - کارستان پالیسی تجاوز

۱ - بنام «صیفی» یک نقطه عسکری را در سرحد آزاد افاقت گاه افسران و پاهاشان ساختن، و عملاً یک قدم یا چند قدم پیش آمدن جانچه جدیدبر کوه لرم (در شمال ادنزی) ساخته است.

۲ - ریل کشیدن مثل ریل چن در خیبر نیز یک ریل کشیده شده است، تمدید همین خط تا به سرحد افغانی و ریل جدید بر حدود مهمند و اتمان خیل (در گگی) - تیکی - ابازو - میجنی - جزو

۳ - تمدید سرکهای عسکری: - موازی خط سرحد افغانی در وزیرستان - از بلاست و کوتو تامیدان با جسور و کوه کلایان، پل جدید ساختن مشهور است که پل جدید بر دریای بنیکوره نیز تمدید هان نقشه است.

۴ - انجاد وسایط مخابره: - تلفون از جکدره تأشیر دین از جکدره تاسیدو (مرکز صوات) آینه برق (شانه و روزانه) در کوهستان ملا زانی ۵ - مداخله در امور داخلی، -

۶ - عرضه گردی جبری یا فربی بعضاً مینی که خودش میخواهد جانچه چندی قبل در مداخله وغیره (که بین علاقه ریس صوات و نواب تنول واقع است) یا در وزیرستان آشونیق میگردند.

ب: طلبین بعض ملزمن سیاسی وغیره، که از دست اسکیزها بانجایها بناء برده باشند: - جانچه از نواب عطا محمد خان صاحب نواب همارا طلبیده بودند.

ج: شرط مشهوره مامورین برطانوی را در تعین کارکنان منصبداران بریش علاقجات قبولیدن: - جانچه در ادنزی نواب صاحب دین را میخورد می‌کند که از (ادنی) مخفی مالیه بگیرد و بس، قلعه و استحکام نسازد و عسکر در آنچا نگاه نمکند.

ه: رفتن کرنل کین و بنام تصدیق ریاست صوات مداخله نمودن وغیره وغیره،

۷ - تاسیس معکر: - معکر های جدید در کهلاحت و تریلا و هیچ ساختن میدان طیاره در شهر دین یا خود کوته اسخن رزمه وغیره اگر این تجاوز نیست چه چیز را تجاوز

که اطفال شان حتی در مکاتب محلی اخذ تعلیم کنند، علاوه‌تا  
بعواضه حاصلات اراضی کامه آنها اگر این اراضی که واحدهای  
پدوان مراجعت شده حاصل نداشته باشد و برای ابادی خانه  
وتبیه اسباب دهقانی و بذر وغیره اتیای لازم از بدوشان  
پیشنهاد داده شده است: چون اموال منقوله اوشان در حین  
فرار تلف شده چند هزار رویه برای تهیه لوازم خانگی برایشان  
بخشنده که (ص) عبدالعالی خان پیش خدمت اسباب مزبوره را  
قرار خواهش خود آنها برایشان خردباری کرده جنساً برای اسما  
بسارد. ممکن است که بعض قواعد و ضوابط دیگری هم درین  
مورد از طرف حکومت محلی خوگانی برانها عاید شده باشد.

قری ماما خبل در اثر این مراحم خسروانه و عنایات یغایات  
شاهانه باسرهای برجه و وضعیت‌های پیاخت صمیمانه بدعاوی  
بنای عمر و طول حیات شهر باری پرداخته ازین حرکت سرایا  
خجالت شان اظهار ملالت خودهارا بحضور اعیان اعیان اعیان  
رسانیدند و ازین گذشت، وعفو، وحمل هایونی اظهار مسرت  
کرده معهد شده عرض کردند که مایکوشیم تا ان سه چهار  
نفر خاک برسری را که سبب پریشانی و فرار، وی اعتباری و سلب  
وقار ما بحضور شهر باری گردیده اند دستگیر کرده تسلیم  
حکومت‌نما این ودر اینده بنهایت سی و گوشش خواهیم ورزید  
که علاوه بر حصول اطمینان حکومت متبوعه خود خدمات  
درست و کارهای خوبی را بز مصدربشویم.

### ش فیابی جرگه و تصفیه منازعه<sup>۱</sup>

ساق و شواری شغل و تاجیکه کنی بحضور شهر باری

در عصر روز ۳ جوزا هر دو جمیعت صاف و شواری سگ  
وتاجیکه کنی را که سرکردگان نادان شان باهم مناقشه داشتند  
و خود آنها بر غندی خبر نشسته تمام تلفات، تقصیات را باین غربام  
و بیچارگان عائد کرده بودند، باخوانین و ملکان و علماء شان  
بحضور خوبی خواسته نشده بود حکم نمودند که نظریه بکابل  
برده شوند اگر بری‌الذمه بودند رهای واگر اندک ذی مدخل  
ستاخته شده فرار و اگر دران معامله حصة گرفته بودند جلس  
واگر کاملاً سراغه ثابت شدید اعدام خواهند شد.

دویسه نفر شان که زیر ماده قانونی آمدند و برخلاف  
او امر بادشاهی اقدام کرده بودند بر طبق ماده (۴۴) جزای عمومی  
حکوم باعدام و بهمان ساعت از دربار اخراج و بحدود دو کوهه فدری  
بحضور جم غیر تیرباران شدند علاوه تمام نفری هر دو فریق  
بحضور شهد و قرآن پاک سوگند کردن که آینده هیچ یک  
از میان آنها عقب شاق و عناد و بدی و فساد نگردیده راه اخوت  
و محبت را می‌بینند و قبل این فیصله و حکم منصفانه و قواعد  
وضوابط عادلانه خسروانه راضی و جدا میکوشند تا بر آن پایندی  
نموده رضای خدا و رسول و حضور هایونی را حاصل نمایند.

تمام مواد و مقدماتی که برای فیصله منصفة اقوام مزبور  
از حضور هایونی ترتیب شده بود در همان روز آخر به کنان  
کشند.

(۰) : - ماله اراضی مردم تاجیکه را که از دست مردم  
ساقی زراعت نتوانسته اند ولا منزه عاده مانند مردم ساقی نخوبی  
خرانه کنند، بعده دیده می‌شود اگر اصل ماله ۱۳۰۰ را  
صاحبان زمین رسانیده باشند غالبه ۱۳۰۰ شان مجراء شود والا  
غالبه ۱۳۰۰ آنها مجراء گردد.

(۱) : - جونک مردم صاف و شواری و شکل و تاجیکه  
کنرها بعراجم حکومت ندانسته بمنازعه و مجادله بین خودها اقدام  
کرده اند حکومت حرام از اسلام پور تاجیکه سرای سرک موجوده  
را بقسمیکه موثر رو شود بالای آنها می‌بازد.

(۲) : - در باره تادیه مال تاراجی مردم تاجیکه بغار  
ذیل اجراء گرده شود:

الف : - عموم مردم صاف و شواری که با مردم تاجیکه  
مقدمه کرده اند اول قسم بخورند که تمام مال مردم مذکور را  
آججه نقد و جنس بردند، آورده حکومت می‌بازند و مدع  
ازان تفگ، رویه نقد، اموال جنی بردگی خود را که  
از روی خداو راستی و قسم قلعداد می‌کنند آورده بخدمت  
تسلیم کنند.

ب : - مردم تاجیکه مال تاراج شده خود هارا که بالای  
مردم صاف و شواری بقین دارند، از روی خداو راستی قسم  
خورده قلمداد کنند که جقدر اموال آنها از تفگ و نقدی  
و جنسی تاراج شده.

ج : - وقتیکه مال تاراجی جمع شد اولتر مال مردم عدیه  
داده شود، و اضافه آن بعد مردم معتبر بقرار تقسیم پرداخته شود  
و هرگاه مال تاراجی مردم غریب را یوره نکرد، مال موجوده  
قرار تقسیم شنا برای اصلاح آینده شان که بصورت برادرانه باهم گذران  
و زندگانی کنند، هدایات لازمه نمودیم.

(۱) : - هر قدر نفر از طرف تاجیکه مقتول شده فی  
نفر یکهزار رویه جرم از طرف مقابل آن که با مردم مذکور  
مقدمه کرده اند، گرفته می‌شود:

(۲) : - این جریمه اول از همسی و مجانداد کسانیکه بانی  
نوسراغه این مفسدہ گمان شده و خبیث می‌شوند، گرفته می‌شود اگر  
پوره نگرد بایق مانده آن از باقی نفری قوی صاف و شواری به تقسیم  
أخذ خواهد شد. جایداد اشخاص سراغه اگر زمین باشد و کسی  
خوش برضا تخریج بقرار قیمت متصفانه باهل قریه اش بزده  
و پول قیمت آن گرفته می‌شود.

(۳) : - هر قدر خانهای را که ویران کرده و سوخته شده اند  
چوب پوشش آنرا کاملاً طرف مقابل آورده بذریه حکومت  
برای صاحبان خانه بدنه تاخانهای خود را آباد کنند و شروع  
آبادی اول از خانهای غریبه خواهد بود.

(۴) : - مسجد شراف را که ویران کرده اند خود مردم  
صافی بصورت اول بسازند و بتایبی احترامی که در باره مسجد  
شریف نموده اند دو هزار رویه جریمه از ایشان اخذ می‌شود.

اعلام و اعلام شده، برای حکومت اعلایی مشرق بصورت  
فرمان ابلاغ گردیده که احکام مزبور بصورت فوری در محل  
اجراه گذارده شده تطیق گردد علاوه برای اطلاح واستحضار  
عموم عیناً نقل هان فرمان بشکل اعلان نیز بتعداد زیاد طمع  
شده برای عموم نفری این جرگه داده شده است که هم خود  
آنها ازان کسب معلومات مایند وهم بدیگران آنرا رسانیده  
بر طبق آن رفتار کنند.

### فرمان اعلیحضرت غازی

که در موضوع فیصله منازعه اقوام صاف و شواری  
شکل و مردم تاجیکه کنرهانه رف اصدار یافته است

کارهای تصفیه این مناقشه را ذات شاهانه بعد ازین روز  
تاجند روز متولی بی هم بر میز تحقیق خود گذاشته فصله  
مسائل آهارا نقطعه نظر مد مقاومه خویش قرارداده بودند در بعض  
ایام مائده یوم سنجشنه وجمعه ۶ - ۷ جوزا از ساعت ۸ صبح  
الی ساعت ۷ شام باستنای ساعت نان و نیاز کاملاً کارهای  
مزبور را که رئیس تحقیقه موصوف ترتیب داده بود مثا به  
ویصله و در بعضی ایام مثل دوشنبه، سه شنبه، و چهار شنبه  
کارهای شعبه داخله را نیز معانه و دیگر اجرات عمده نیز  
فرموده اند.

تحقیقات و مقدماتی که مدار حکم، و تشکیل جرم را بر

بعض نفری و اقوام مزبوره آبانت کرده همانا (۱) ضطاحوالان  
(۲) اطلاعات رسمی حکام (۳) لاثجه بیش تحقیق (۴)  
ملاقاتهای افرادی و خصوصی شهر باری با هر قوم (۵) مذاکرات  
سری و تنهایی هایونی با عامه نفری هردو طائفه علیحده و باعلماء  
و کلان شوندگان شان علیحده، و باخوانین واعزه شان  
 جدا گانه، بوده است.

با لحله ذات شاهانه بعصر جمعه (۷ نور) هر دو جمیعت را  
به حضور خویش خواسته بدلائل مقته و قران و امارات صحیحه  
و برآهین قاطعه قوم صاف و شواری شکل را مجرم و ملزم و متعدي  
قرار داد و آنها نیز باین خطای خود اقرار کردن، لهذا حکومت  
عادله جیزی جریمه بعض خوابط و نهایطی را برآنها عاند  
کرد و علاوه جند نفر از فرقه متجاوز ویک و یادو نفر از جمیعة  
متجاوزه علیه را که مصدر شرارت و مناقشه پنداشته می‌شوند ولی  
برآنها آبانت قطعی نشده بود حکم نمودند که نظریه بکابل  
برده شوند اگر بری‌الذمه بودند رهای واگر اندک ذی مدخل  
ستانخه شده فرار و اگر دران معامله حصة گرفته بودند جلس

واگر کاملاً سراغه ثابت شدید اعدام خواهند شد.

دویسه نفر شان که زیر ماده قانونی آمدند و برخلاف  
او امر بادشاهی اقدام کرده بودند بر طبق ماده (۴۴) جزای عمومی  
حکوم باعدام و بهمان ساعت از دربار اخراج و بحدود دو کوهه فدری  
بحضور جم غیر تیرباران شدند علاوه تمام نفری هر دو فریق  
بحضور شهد و قرآن پاک سوگند کردن که آینده هیچ یک

از میان آنها عقب شاق و عناد و بدی و فساد نگردیده راه اخوت  
و محبت را می‌بینند و قبل این فیصله و حکم منصفانه و قواعد  
وضوابط عادلانه خسروانه راضی و جدا میکوشند تا بر آن پایندی  
نموده رضای خدا و رسول و حضور هایونی را حاصل نمایند.

تمام مواد و مقدماتی که برای فیصله منصفة اقوام مزبور  
از حضور هایونی ترتیب شده بود در همان روز آخر به کنان

من دوران و صاحبان زغال فایده برسد، مردم را که راجع به فرج فروش داد می زند خاموش ساخت، ازان پس اگر مرد را کم میکردند حاضر خواهد بود با مخالفین مجادله نماید.

از لندن اطلاع میرد که در ضمن نطق که لایند جارج نموده حکومت را متهم ساخت که در کارهای داخله کرده کم فکری نمود،

خصوصاً در باره مسئله زغال که ازده ماه میشود در هم برهم است دورانه یعنی نه نمود، و نیز در مسئله تعیین یک پایه برای طلا

فکری نکرد، و اظهار کرد که نمیتواند ازینک اعتضاب عمومی را باعث نفرت و فلاکت بداند؛ خود داری کند. و این را که

حکومت اقداماتی نموده تا امانت را هرست کند تقدیر کرد و گفت که تنها نمیتواند خود را در راه غصب نا حق آنهاخته با

مردمایک براه عاطل و از سبب جهالت رزق خود را پازد رفقای خود را محیور به اقدامات و حشایه مینمایند مجادله کند.

و در آخر از حکومت خواهش نمود که بر سرمه، کنان و صاحبان معادن قانونی وضع کند و بین رسیله مجادله را خاتمه دهد.

از لندن پذیریه تلفراف معلوم شده که هنوز وضعیت مسئله زغال خراب است زیرا کاتب اداره مسادن میگوید که فقط به صاحبان خانه نیم هدر دویت (۶۶ باو) فی هفته زغال داده

خواهد شد و از فردا بایق خود شان انقطعان بودن زغال را بکنند و برای گرفتن زغال از صاحبان زغال اجازه حاصل کنند.

این مقدار را که تعیین کرده اند مساوی به ربع مقداری است که در ایام جنگ مخانه های خورد داده میشد، و در صورتیکه زغال به قلت بدست میاید بند شهای گوناگون واقع شده

تغیرات کوچه ها و خانه ها به نصف رسیده.

از لندن تلفراف رسیده که جارج در حضور خود چهل نفر نمایندگان تجاری را قبول نموده اظهار عقیده کرد که شویق نمودن

به زیان اعصابیه بپد که عموماً این را خواهان هستند که هر چه

نواقصیک بعد آغاز جنگ واقع شود تلافی کرده شود.

### (سانکه ریف)

از پاریس خبر رسیده که از مکتب عبد الکریم که برای

مسیر سنج و زربنت جزال نوشته معلوم میشود که او خود را

بر حم و مرحت فرانسویها گذاشته است. نمک نیست که بعد

مالحظه نمودن التجای پرشان عبد الکریم که به پیوان خود

کرده یک حسن‌داوری بیان فرمده بعزم جنگجو و خیال تائب

خالصانه پیدا نگردد که جراحت ازینک ریف های فرمان بردار

باین درجه پیش برسند یک صالح باشرف العقاد نیافت. تا حدیکه

امکان داشت بقابل عسکر نا مکمل و ناکافی بپذیریه (۱)

نمیتوانند مجادله کنندتا اینکه یک صاحنامه درستی از (میرداد)

زغال رو بقلت است بند شهای زیاد صورت میگرد. ملک امن است و عسکر مسلح را حالا ازیندرها دور می کند. حالا تکلیف تازه که دیده می شود اینست که کمپی های زیل را برای این متهم می سازند که جراحت اعتصابیون را منع نمیکنند. انقلابیون کامونست را سزا های زیاد میدهند.

در مجلس بین کمپی های راه آهن و اتحادیون فیصله بر این شد که برای یک هفته کمپی ها کوشش کار را انتظام کنند تا بعد از اعتضاب اندکالات رفع شود.

کان کنان حالات بجزی از که صنعت زغال را سر از تو تشکیل دهند قبول می کنند، اما اینکه اجره شان کم وقت شان زیاد شود قبول ندارند برای روسی را که برای یک مقدار کثیری نوشته شده قول کرده اند اما حالا برای یک کشمکش دور و درازی مشغول مذاکره اند وزیر داخله اظهار می کند که این اعتضاب کشمکش تجارتی است، و مدد روسها با اینکه اعتضاب عمومی را امتداد دهد نفاوت دارد. در دایره های کارگران مردم رسیار متفکر اند که جراحت اعتصاب کاملاً خاموش شد و علت را نفهمیده بسیاری از روسها را متهم میسازند عدد بیکاران به نصف میلیون

رسیده استغای لاید جارج پاره ای کارگران قبول افاده جوابیکه صاحبان معادن بمحکومت داده بسیار موزون نیست درین تجویز ایشان جرایم ملت را یافته خواهش می کند از مداخله سیاسی آسوده باشد باز اصرار دارند مدت کار شان هشت ساعت روز باشد.

نماینده کان کنان بجانه های خود برگشته اند و در اینجا تا توافقیکه پس طلبیده نشوند اقامت خواهند کرد. کان کنان این و عده کرده اند که تمام کان باشد ایشان همکن بر سرایان برای احتیاط ذخیره شده بود بدینست خصوصاً درویلز سرjan سایمون اظهار نموده که اعتضاب عمومی سراسری قاعده بوده است.

سرjan نیز همکن از قانون خواهش می کند که عده اتحادیون تجارتی را محدود سازند. مکث را ازینک باز همچو یک واقعه ظهور کند محفوظ سازند راجع بکفته خود اطمینار کرد که جبار ترقه و ثابت شد که ملکت را نمیتوانیم آله دست هیچکس دیگر یاک جماعت تأسیس شده بازند. مستر چرچل مقدار تقص تجارت را که سی میلیون است قبل می کند و اگر اعتضاب زغال قدری ییشت ختم شود لازم خواهد بود بودجه ضمیمه با محصول زیادرا امسال تعیین نمایند.

در ضمن نطق که در (بارنسی) کرده شیوه هر پرت سمت دیگر بست کان کنی بیان کرد که او بجز صورت حاضر خواهد بود جبراً اوقات کار را بیفراید اماییان اوکه باید مسائل غیر اقتصادی از طرف کنند و نرخ فروش زغال تعیین نمود که تا برای

برده اند آنها گفته اند هرچه دیگر اقوام صافی کرد ملک مانطفه خواهد کردیم و در تقبیل فرمان. فوری نکوشیده اند بنابرآن هر سه نفر مذکور بروفق ماده (۴۴) جزای عمومی چاند ماری شدند.

ملک مفائد خان شکل تاج محمد خان شکل علیخان شکل

(۱۷) - سید زیور شاه بتاراجی خانه میر زمان خان مشتبه و قیک برای تحقیقات بحضور خواسته شد ضمتأخودش بیان کرد که خانه میرو نام را من اذن دادم که بسوزاند، و سوختاندند جونک نامبرده بسوختابند خانه میرو نام اگر عجم بمناسبت میزد مجاز نبود. و بدون امر حکومت کسی نمیتواند که در باره یک شخص اجزای مجازات کند، وهم نامبرده و قیک صاحب رسوخ بوده باشد اهالی را ازین منازعه و برادر کشی منع میکرد و نامبرده هیچ اقداماتی در اتفاقی این ناشره نکرده، بنابرآن نامبرده را نیز بقابل میرم، زمین و حاداد خود را که در سمن مشرق دارد فروخته باطراف کابل زمین بخود و حسب نرائلی که در باره او مقرر میشود اصرار حیات نماید، و تادیه ناوائی سوخته گی خانه امیرو نام را نیز نماید

(۱۸) - میرزمان خان بقابل برود و تا زمانیکه اطمینان حکومت حاصل نه شود که اگر او واپس بمالک خود بساید اهالی از او متاذی تجواده شد، در کثره های آمده نمیتواند، خود میر زمان خان، و برادر و بجهه های او بهمان منصب و رتبه و تحویله که دارند نائل میباشد. میرزمان خان تا وقتیکه بمنصب فرقه شری سرافراز نه شده بود لوای خان گفته میشد بعد از این قطع یکنفر فرقه مشر عسکری شناخته میشود و بوزارت حریه مشغول وظیفه خود بیباشد و آینده هیچ اثر لوای خلی ندارد

(۱۹) - جریمه های ماده (۱) و ماده (۲) را هرقدر نقد تادیه نمایند. نقد گرفته شود. و مابقی در عوض نقدی از اخناس فهرست شده ورق علیحده که تعیین نرخ هر جنس دران معلوم است اخذ شود.

موادی را که اجرای آن حسب فوق در آن میشود اجرای آنرا بتوسعه حاکم کلان اسماه نماید. موخر خ ۷ جوزا ۱۳۰۵ ( محل امضاء هایلوی )

## حوادث خارجیه اعتصاب انگلستان

تجاویز حکومت که راجع به سد اعتصاب زغال شده بود درین نهضت کان کنی بدرستی بحث شد. و نتیجه این شد که باز اعتصاب جاری خواهد شد زیرا کان کنان به جصوصت حاضر نمیباشد و مبارکه که مردم مذکور بود، ملا نظام الدین خان و قاضی و نائیق حاضر نیستند تغیرات در وقت کار و اخپوره خان بعمل آید.

زن، دختر، هستند. این وجه را نفری مذکور هر قدر ورنه یک مقتول باشند یعنی خود تقسیم میکنند. و اگر تنها از مقتول یک پدر، بارادر، بارز، واولاد باشد هم همین بجای روبیه برایش داده می شود.

(۱۲) - برای اعاثه زن، و مادر، واولاد، و صغیر صافی ها و شواری ها بیز سه صد روبیه داده میشود که یعنی خودها تقسیم کنند. فهرست مقتولین اقوام مذکور . بیز بورق جدا شده است.

(۱۳) : موادیکه نه مسائل منازعه صافی و تاجیکی فصله وقرار داده شده قرار فوق است، آینده دیگر دعوای یک قوم بدیگر قوم، یا اشخاص بدیگر اشخاص راجع بمقده و تاریخ مال وغیره وقواییک درین مقدمه ها بین آنها شده کرده نمیتواند. و حکام آن دعوی همارا شنیده نمیتواند.

(۱۴) - باز قلعه عسکری هر کابی یک مفرزه برای اجرای احکام مواد فوق در آنجا گذاشته میشود تا همه مواد مذکور را بتحت اصر احرا کم اعلی و حاکم کلان اسماه احرا دارند اگر تاشه ماه فیصله واحرجی مواد مذکور تمام شده بس ازان تاختم کار خورا که مفرزه مذکور را مردم صافی وشواری عاجان خواهد برداخت.

(۱۵) - اشخاص ذیل بمنازعه علایی صافی وشواری با مردم تاجیکی مظنون وذریعه بر اینکه تاکنین اهمال و لشکر کشی شناخته می شوند بنابرآن این نفری بقابل برد بیشوند، و در برآزه آنها تخفیفات درست بعمل آمده هر کدام ملزم، و مستوجب مجازات گردید در باره شان احرا و هر یک پری الذمه ثابت شد رها میشوند.

ملک حیدر شوریگ - عظیم برادر زاده «ملک حیدر زلیع آخندزاده ساکن شوریگ - سیدا کبر ساکن شوریگ محمد اعظم ساکن شوریگ - سدم خان قریه شلوتی شبورک ساکن جیوک - رنگ جان ساکن دره بیچ - ملا جوهر ساکن کنده لام - عین الله ساکن بیار کندی - محمود ساکن ماشورة دره بیچ - فیض طلب ساکن کندی دره بیچ - عتبی الله آخندزاده قریه موتوی شکل - سید همیش برادر زاده ملک حیدر - خان محمد برادر میرزمان خان که جایداد و همسی او گرفته نمیشود.

(۱۶) - اشخاصیکه شامل تحریک منازعه مردم مذکور بوده علاوه در وقت فرمان حضور شاهانه را که راجع به نصایح و مبارکه که مردم مذکور بود، ملا نظام الدین خان و قاضی و نائیق حاضر نیستند تغیرات در وقت کار و اخپوره خان بعمل آید.

بر مرمت فرانسه اعتماد کند اما عفو نمودن هیچ وقت خاطر کشتنگان فرانس را محونکرده همه معامله اورا بیاد خواهد داشت که با الشویکها و کسانیکه بر خلاف المان بودند چطور معامله میکرد. (ربوت)

## فرانسه

بطوریکه از زینو خبر رسیده میناید که سوه تفاهی که بین انگلیس و فرانسه بعد از مجلس تقیل اسلحه راجع به امکان یک جنک پیدا شده مبنی بر غلط فهمی طرفین بوده و مسئله امکان جنک تحت مذاکره خواهد امد.

حکومت فرانسه اقدامات نموده فرانک را کن نماید و لازم است تاجرها پیش شده خایند که در ظرف ماه پولیک از خارج به ایشان میرسد کافی خواهد بود از پاریس اطلاع رسیده که پیشنهاد حکومت که وضعیت مالی را تغیر بدهد در کنفرانس مجلس مبعوثان به ۲۰۰ رای مقابل ۲۰۹ رای قبول شد بدست آوردن عبدالکریم وضعیت بریان را بسیار بلند ساخته.

از فردا یعنی مارس لندن رفت و آمد طیاره شروع خواهد شد، تا مردم میتوانند از لندن بعد ظهر روانه شده به بندر محیره روم بشافت و عصر برسند.

## ژاپان

از توکیو خبر رسید که دو هزار نفر زارع مفقوداند و دو صد نفر در آب غرق شده اند و اینهمه در نتیجه ترقیدن زمین و آتش فشانی کوه توکوش شده است.

کوه آتش فشان « توکوش » دفعه باز شده صدای مهیبی که از فاصله بست میل شنیده میشد کشید.

اهالی شهر (میوا) که در دامنه کوه آباد است سرازی گم کرده و حواس باخته بنای فرار از گذاشتند. شهن بسیار در خطر است و سلسه خط و کتابت بین آن قطع شده گفته میشود که شصت خانه زیر سیر (لاآ) غرق شده و یکصد نفر که تقریباً هر کان کنان بودند داخل کان گو گرد گم شده اند.

از توکیو خبر رسیده که نصف شهر گیتوه بمعه پسته خانه ویاتر « نکنده » بسب طیان بحر زیر آب شده و گمان میورد که عده فوق طرف شمال جیلان بسیار خواهد بود.

از (هو کایدو) به توکیو خبر رسیده که مصارف بدست اوردن یکصد و چهل و چهار نفر که بسب کوه آتش قشان مفقود شده بودند، دو میلیون (ین) سنجیده شده است.

در مطبوعه حروف ریاست شرکت رفیق طبع گردید

فقط فلاکت و ذات را برای خود دعوت میکردند. مجادله و جنگ مدت بزرگی را گرفت و تمام فلاکتی را که در نتیجه حتمی بود رسانید اما در آخر یقین بود که عبدالکریم نیز به بالانی که هادر و شجاع دیگر افریقہ شهابی دچار شده گرفتار خواهد آمد. عبد القادر هان شجاعی است که اشاره آن رقه، مشار الیه نسلا از خانزاده شاهی الحیری است و همین فرد معظم با قوم خود به مقابل حمله فرانسویها بر الحیری تا دام آخر مجادله کرد برای مدت پانزده سال بدولت تردد و تعلل داخل مجادله بود تا اینکه در آخر وقت طالع او برگشته ناکامیاب شد میگویند عملیات اوبابت کرد که شخص بزرگ، عسکری غیور اداره کن قابل، نطاق مهم، و جنگجوی شجاع بوده است و همین را نمکن است به عبدالکریم نیز نسبت نمود.

در سنه ۱۸۴۷ عبد القادر سر تسلیم را نزد فرانسویها خورد و مطابق شرائط شدیدیکه محیور آن را قبول کرد بفرانسه بوده شد. سیخ سال جنس بوده در آخر سوگند خورد که هیچ گاه باز اراده حمله الحیری را نخواهد کرد این بود که ناپلیون سیم اورا رها نمود. عبد القادر بقیه عمر خود را در دمشق گذرانید. در سال ۱۸۶۰ برخلاف تعصب اسلامی جنگیده جان بسیاری از عیسویها را آزاد کرد. در برای این کار او در سال ۱۸۷۱ حکومت فرانسه نشان « بوزان دوهانز » عزت با عنایت گردید. در وقتیکه در الحیری اغتشانی پیدا شد برای مردم خود نوشته صلاح داد که سر تسلیم را به پیش فرانسویها خم کنند. در آخر عمر خود را به فلسفه و منطق مشغول ساخته در سال ۱۸۸۳ وفات یافت ( عرش ۷۶ سال بود ).

( سول ایند ملتی کرت )

از پاریس اطلاعی پرسید که عبدالکریم را به ( تازه ) خواهند بردازیرا که او خود را واعیله خود را به امداد فرانسویها گذشته است. عبدالکریم قبل ازینکه داخل خط فرانسویها شود، تمام محبوین شری هیبانوی و فرانسوی را پس فرستاد. از پاریس خبر رسیده که جراید اختتام مسئلله ریف را بنظر خوش دیده جرم این اظهار رسی کشید که بایستی باز این جمال آغاز نشود اگر خواسته باشد ریف یک حکومت درستی شاخته شود و درین بین اتفاق فرانس و همبانیه برای این شده که مراقبش را بدست آورند.

از طرف حکومت تجویز شده که عبدالکریم را اجازه ندهنده که در یکی از مالک اسلامی زیست کند و بایستی از سلطان مراقبش عذر بخواهد.

اخبار ماتین مینویسد اگرچه هفده هزار نفر کشته شده فرانسه هنوز خود را میتواند نگاه ند و عبدالکریم میتواند